

نوع مقاله: ترویجی

شاخصه‌های کارگزاران نظام اسلامی براساس قرآن و روایات

mhdmhd1372@gmail.com

مه‌دی حسن‌زاده / دانش‌پژوه کارشناسی ارشد علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۱

دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۲

چکیده

پیشرفت و تعالی نظام اسلامی، وابسته به رهبران و کارگزارانی است که بتوانند حکومت و جامعه را براساس آرمان‌ها و مبانی اصولی‌اش پیش ببرند. در نظام اسلامی، شناخت صحیح نیروها و اطلاع از شاخصه‌های ایشان، مانع نفوذ عوامل دشمن در بدنه نظام خواهد شد. بهترین راه برای شناخت خصوصیات کارگزاران در نظام اسلامی و ارائه الگویی مناسب در این زمینه، مراجعه به مبانی اسلام است. در این پژوهش، مجموعه‌ای از ویژگی‌های کارگزاران، در جهت‌گزینش و به‌کارگیری آنها در نظام اسلامی براساس قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام در سه ساحت علمی، خلقی و توانایی، مورد بررسی قرار گرفته است. مستندسازی شاخصه‌های کارگزاران در ابعاد علمی، خلقی و توانایی براساس قرآن کریم و روایات، ادعای است که این مقاله را از سایر پژوهش‌ها متمایز ساخته است. این پژوهش به تحلیل شاخصه‌های کارگزاران در نظام اسلامی با بهره‌گیری از منابع مذکور با روش تحلیلی - توصیفی می‌پردازد. یافته‌های تحقیق بر این امر حکایت دارد که کارگزار نظام اسلامی می‌بایست از شاخصه‌هایی همچون علم و آگاهی، ولایتمداری، اخلاص در رفتار و عملکرد خود، مسئولیت‌پذیری و... برخوردار باشد.

کلیدواژه‌ها: کارگزار، نظام اسلامی، قرآن کریم، روایات.

مقدمه

بنابراین چستی شاخصه‌های اصلی کارگزاران نظام اسلامی سؤال اصلی پژوهش و اینکه شاخصه‌های کارگزاران در ابعاد علمی، خلقی و توانایی چیست؟ از سؤالات فرعی مقاله حاضر محسوب می‌شوند.

کارویژه این پژوهش، تبیین شاخصه‌های اصلی برای گزینش کارگزار در نظام اسلامی است. براین اساس، فرضیه این پژوهش این است که کارگزار نظام اسلامی باید شاخصه‌های هویتی که برگرفته از هویت دینی است را در سه بعد علمی، خلقی و توانایی داشته باشد؛ ویژگی‌هایی همچون علم و آگاهی، ایمان و بندگی در برابر خداوند، پرهیز از روحیه ارباب‌منشی، مصلحت‌سنجی، مسئولیت‌پذیری، و دیگر موارد که در قرآن کریم و احادیث معصومان علیهم‌السلام به آنها اشاره شده است. از این رو، در پژوهش حاضر به آنها می‌پردازیم. برای رسیدن و تشریح فرضیه مذکور در این مقاله، ابتدا به توضیح مفاهیم کارگزار و نظام اسلامی پرداخته خواهد شد، در محور بعد، کارگزار در بُعد علمی را بررسی می‌شود. در محور سوم، این پژوهش به ویژگی‌های خلقی کارگزار و پس از آن به شاخصه‌های کارگزار در بُعد توانایی می‌پردازد تا بدین‌وسیله شاخصه‌های قرآنی - روایی در گزینش مدیران و کارگزاران نظام اسلامی را ارائه کند.

۱. چارچوب نظری

۱-۱. کارگزار

کارگزار در لغت به معنای انجام‌دهنده کار، عامل و مأمور است (معین، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۲۹۹). برخی مفهوم کارگزار را همان عاملی می‌دانند که در درون سیستم حاکمیت به ایفای نقش می‌پردازد و جزئی از مجموعه کاری و خدماتی حاکمیت را به خدمت می‌گیرد و کارگزار حکومتی را، اعم از رده‌های بالای تشکیلات و افراد پس از آن تا پایین‌ترین درجه و مرتبه تشکیلات حاکمیت معرفی می‌کنند که در هریک از ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، خدماتی و... به ایفای وظیفه و انجام امور مبادرت می‌ورزد (نوائی، ۱۳۸۲). بدین صورت، می‌توانیم کارگزار را این‌گونه تعریف کنیم: «کارگزار در نظام حکومتی و حاکمیتی، عامل و یا مأموری در درون نظام است که در حیطه کاری خاص خود به ایفای نقش و انجام وظایف خود مشغول و درصدد تحقق آنها می‌باشد.»

تشکیل حکومت برای اداره جامعه و زندگی اجتماعی امری

تأثیرگذارترین افراد نظام اسلامی، مدیران و کارگزارانی هستند که مسئولیت اداره کشور و هدایت افراد جامعه را بر عهده دارند. اهمیت این مسئله را به وضوح می‌توان در روایات معصومان علیهم‌السلام و ارائه معیارهای حائز اهمیت از سوی ایشان در این زمینه، بیابیم. پس از انقلاب اسلامی نیز، رهبران جمهوری اسلامی با پیروی از مکتب اسلام، بسیار بر مسئله گزینش کارگزاران مؤمن و صالح تأکید کرده‌اند. در مقابل، دشمنان این نظام با عوامل فریب‌خورده خود، به دنبال مخدوش نمودن آرمان‌های انقلاب، نفوذ و براندازی نظام اسلامی بوده‌اند؛ ایشان سعی می‌کنند تا با وارد کردن نیروها و عوامل خود در بدنه نظام و در نتیجه به وجود آوردن فساد در درون نظام، بتوانند در میان مردم نارضایتی ایجاد کرده و پایه‌های نظام اسلامی را متزلزل سازند، بنابراین، شناخت نیروها و کارگزاران در نظام اسلامی، امری ضروری محسوب می‌شود. در این زمینه پس از انقلاب اسلامی پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است که برای نمونه می‌توان به کتاب *حکومت اسلامی و ولایت‌فقیه در اندیشه امام خمینی* علیه‌السلام (موسوی خمینی، ۱۳۹۲) اشاره کنیم که در بخش چهارم از مجموع شش بخش این کتاب، به ویژگی‌های کارگزاران حکومت اسلامی پرداخته شده است. همچنین پایان‌نامه *خودی و غیرخودی از دیدگاه قرآن* (نقدیان، ۱۳۸۰)، که نویسنده از فصل چهارم تا ششم این نگارش به مسائلی همچون خصوصیات خودی‌ها و غیرخودی‌ها در قرآن و نوع واکنش در برابر غیرخودی‌ها پرداخته است که با موضوع پژوهش حاضر ارتباط نزدیکی دارد.

مقالاتی نیز در این رابطه به رشته تحریر درآمده‌اند؛ مقالاتی همچون: «سیمای کارگزاران دولت اسلامی از منظر امام علی علیه‌السلام» (فلاح سلوکلائی، ۱۳۸۴) که ملاکات گزینش کارگزاران را با توجه به بیانات امیرمؤمنان علی علیه‌السلام بررسی کرده است.

«تصویری از کارگزاری در نظام اسلامی و بایدهای اخلاقی آن» (نوائی، ۱۳۸۲)؛ مقاله در بخشی به تفاوت‌های کارگزاری در نظام دینی و دیگر نظام‌ها اشاره می‌کند و در ادامه ویژگی‌هایی همچون تهذیب نفس، ساده‌زیستی و توجه به خداوند در همه حالات را از ملزومات کارگزاری در نظام دینی برمی‌شمارد. اما مستندسازی شاخصه‌های کارگزاران در ابعاد علمی، خلقی و توانایی براساس قرآن و روایات، ابداعی است که این مقاله را از سایر پژوهش‌ها متمایز ساخته است.

محتوا، آن را از سیستم‌های کارگزاری بشری متمایز و جدا می‌سازد. در طرح نظام سیاسی شیعه در عصر غیبت فقط به نام و عنوان این نظام اکتفا نشده، بلکه جامعیت یک نظام، مستلزم ارائه خاستگاه و ادله مشروعیت آن، شکل حکومت و اهداف آن و بسیاری از امور دیگر است که محدوده و نوع اختیارات و شرایط کارگزاران و زمامداران نیز از جمله این امور می‌باشد که باید مشخص شوند (ایزدهی، ۱۳۸۶، ص ۶۴). کارگزاری نظام دینی، اجرای عملیاتی اندیشه‌های الهی در حق جامعه و حکومت است و در راستای ارزش‌های دینی و به مرحله عینیت رساندن آنهاست. بدین‌روی کارگزاران نظام دینی همچون کارگزاران الهی‌اند که رشد عقلانی و معرفتی جامعه را سبب گشته و ایجاد و حفظ امنیت اجتماعی و تأمین معیشت، اقتصاد و رفاه جامعه و در نتیجه ایجاد زمینه رشد جامعه انسانی تا بی‌نیاهت را فراهم می‌سازند و در واقع به‌وسیله چنین کارگزارانی زمینه پیدایش مدینه فاضله مهیا می‌شود. مدینه فاضله‌ای که افراد آن با روح تعاون، همکاری و همدلی عمل می‌نمایند و برای رسیدن به غایت و مقصد الهی ره می‌سپارند (نوائی، ۱۳۸۲). بنابراین باید به این نکته توجه نمود که در اسلام، انتخاب کارگزار امر مهمی به‌شمار می‌آید و معصومان علیهم‌السلام تذکرات ارزشمندی را در گزینش کارگزاران شایسته فرموده‌اند؛ از جمله، بیانات امیرمؤمنان علی علیه‌السلام که ملاک‌هایی را در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه برمی‌شمارند.

۲. علم کارگزار نظام اسلامی

با بررسی منابع دینی بر ضرورت و تأکید فراگیری علم در عرصه‌های گوناگون پی خواهیم برد. قرآن کریم علاوه بر اینکه مسئله شناخت و معرفت را نسبت به جهان خارج یک امر ممکن می‌شمرد، آن را از اهم واجبات و یک وظیفه قطعی معرفی می‌کند. خداوند متعال پیروان خود را با انواع بیانات صریح، ظاهر و کنائی، به فراگیری علم و دانش دعوت می‌کند. جالب است که این دعوت، در زمان و مکانی صورت گرفته است که ابرهای سیاه و تاریک جهل و بی‌خبری، افق را پوشانده بود و به راستی، عمق و گستردگی این تعبیرات، قبل از هر چیز، دلیل عظمت قرآن و حقانیت آورنده آن است.

۲-۱. منشأ تحول و بصیرت

در آیات بسیاری از قرآن کریم به لزوم فراگیری علم تصریح شده

ضروری است و برای اداره بهتر، باید تقسیم کار صورت گیرد و افرادی برای تصدی مسئولیت‌ها تعیین گردند. از این‌رو، کارگزاران مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهند که در جهت اداره بهتر جامعه و رسیدن به هدف موردنظر از تشکیل حکومت، گام برمی‌دارند. البته کارگزاران باید صلاحیت لازم را برای اداره جامعه داشته باشند؛ در غیر این صورت، چرخه اداره جامعه با مشکل مواجه خواهد شد. بنابراین، همواره کارگزاران برای احراز صلاحیت، باید تحت نظارت مستمر باشند و با آسیب‌شناسی رفتار آنان، با متخلفان رفتار مناسب صورت گیرد (فلاح سلوکلائی، ۱۳۸۴).

روشن است که کارگزاران در هر نظام سیاسی بسته به مبانی فکری و نظری حاکم بر آن، دارای خصوصیات و ویژگی‌هایی هستند؛ همان‌طور که در نظام اسلامی برای کارگزار اوصافی همچون شایستگی و لیاقت، امانت‌داری، مسئولیت‌شناسی در قبال مردم، ساده‌زیستی، قانون‌مداری و... را برشمرده‌اند.

۲-۱. نظام اسلامی

نظام اسلامی نظامی است که قصد اجرای کامل تمام احکام و موازین اسلامی را دارد. این نظام، مایه سعادت انسان و سربلندی ملت و کشور و مایه آبادی روی زمین و کشور و منطقه زیست و مایه شادی محیط زندگی و نیز استحکام خانواده و اصلاح روابط اجتماعی میان مردم و خلاصه مایه خوشبختی زندگی مادی و معنوی انسان‌هاست (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۸). اطلاق واژه نظام در این رابطه تأکید بر آن دارد که اجزای تشکیل‌دهنده به یکدیگر پیوسته بوده، تغییر در یک جزء سبب تغییراتی در سایر اجزا می‌شود (رحیق اغصان، ۱۳۸۴، ص ۳۰۰). حکومت دینی، حکومتی است که شبکه روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اخلاقی آن براساس دین و آموزه‌های آن تنظیم شده باشد (واعظی، ۱۳۷۷، ص ۸۸-۹۰).

الف. کارگزار نظام اسلامی

کارگزار در سیستم حکومت دینی از سازوکاری ویژه برخوردار است و کاملاً صبغه دینی دارد و نمی‌تواند همچون سیستم‌های بشری معطوف به مقوله‌هایی همچون قدرت، سود و لذت باشد، بلکه ساختار کارگزاری دینی معطوف به ارزش‌ها و سنن الهی و باید‌ها و نبایدهای اخلاقی، حقوقی، اجتماعی و سیاسی است که به لحاظ

آگاهان قوم موسی او را نصیحت کردند که از ثروت برای منفعت جامعه استفاده کن و نصیب خود را از دنیا فراموش نما و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده است به بندگان خدا نیکی کن و این ثروت را مایه فساد در زمین قرار مده (قصص: ۷۷). اما قارون در پاسخ گفت: «من این ثروت را با قدرت علم و دانشم اندوخته‌ام»، اما خداوند این ادعای او را در ادامه آیه نفی می‌کند.

تأیید ضمنی در آیه نشان می‌دهد که رابطه‌ای میان «علم مادی» و «پیشرفت مادی» وجود دارد. این حقیقتی است که در جهان امروز به خوبی دیده می‌شود و دولت‌هایی در پرتو علوم و صنایع به پیشرفت‌های عظیمی در تمدن مادی نائل گشته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ص ۱، ج ۱، ص ۶۴). در آیه دیگری می‌فرماید: «... أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِيَ وَفَرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا...» (سبأ: ۴۶)؛ ... اینکه: دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید، سپس ببینید... این سخن را پیامبر اکرم ﷺ به دشمنان لجوج و سرسختی می‌گوید که آلوده کفر و شرک و همه‌گونه فساد اخلاقی بودند و کلید نجات آنها را از این گرداب‌های خطرناک در

تفکر و اندیشه که طریق و مسیر معرفت است، معرفی می‌کند. درست به همین دلیل، ریشه هر انقلابی و هرگونه تحول اساسی در اجتماعات بشری را باید در انقلاب فکری و فرهنگی جست‌وجو کرد (همان، ص ۶۸). سلاح اصلی دشمن در مقابل جبهه اسلام، علم است که با سوءاستفاده از آن، مردم جهان را مورد ظلم و ستم قرار می‌دهند. علمی که اسلام توصیه می‌کند و بلکه لازم می‌داند علمی است که در راستای تعالی بشر و جلوگیری از هجوم دشمنان اسلام باشد، علمی که به مردم کمک کند، علمی که در جهت تقویت اسلام و نظام اسلامی باشد، علمی که انسان را متوجه خدایش کند، او را به کمال برساند و به نفع انسانیت باشد.

۲-۲. منشأ پیشرفت‌های مادی

از دیگر آیات، آیه‌ای است که علم را سرچشمه پیشرفت‌های مادی معرفی می‌کند: «قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أَوْ لَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِن قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ أَكْثَرُ جَمْعًا...» (قصص: ۷۸)؛ [قارون] گفت: این ثروت را به وسیله دانشی که نزد من است به دست آورده‌ام! آیا او نمی‌دانست که خداوند اقوامی را پیش از او هلاک کرد که نیرومندتر و ثروتمندتر از او بودند؟!... این سخن را قارون ثروتمند مغرور و خودخواه بنی‌اسرائیل زمانی گفت که

همان‌طور که علم عامل پیشرفت و پیروزی است، در مقابل، جهل و نادانی عامل شکست است. به این آیه توجه کنید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضْ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» (انفال: ۶۵)؛ ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ [با دشمن] تشویق کن! هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند؛ چراکه آنها گروهی هستند که نمی‌فهمند! این آیه که ظاهراً در مورد جنگ بدر نازل شده و ناظر به نابرابری تعداد مسلمانان با مشرکان مکه است، تصور موازنه قوا را درهم می‌شکند و به‌عنوان یک دستور اسلامی فرمان می‌دهد که حتی اگر تعداد سپاهیان اسلام یک دهم سپاهیان دشمن باشد از میدان جنگ عقب‌نشینی نکنند؛ اما آنچه این نابرابری صوری و ظاهری را جبران می‌کند، طبق صریح خود آیه، دو چیز است: نخست صبر و استقامت و پایداری در مؤمنان و دوم جهل و نادانی و بی‌خبری در دشمنان و این به‌خوبی نشان می‌دهد که استقامت و صبر، سرچشمه پیروزی و جهل و نادانی، عامل شکست است - جهل به استعدادها و نیروهای خداداد وجود خویش، جهل به قدرت و توانائی پروردگار و جهل به فنون و اصول جنگی و... - (همان، ص ۸۷).

در روایات اسلامی نیز در باب علم و آگاهی تأکید بسیار شده است. حدیث معروفی که از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده، گواه روشنی بر

این معناست: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۲۸)؛ تحصیل دانش بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است.

امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «كَفَى بِالْعِلْمِ شَرَفًا أَنْ يَدَّعِيَهُ مَنْ لَا يُحْسِنُهُ، وَيَفْرَحَ بِهِ إِذَا نُسِبَ إِلَيْهِ، وَكَفَى بِالْجَهْلِ ذَمًّا يَبْرَأُ مِنْهُ مَنْ هُوَ فِيهِ» (همان، ص ۹)؛ در شرافت علم همین بس که افرادی که از آن آگاه نیستند، آن را ادعا می‌کنند و اگر به آنان نسبت داده شود، خوشحال می‌شوند و در مذمت جهل همین بس که حتی دارندگان آن از آن تبری می‌جویند.

آیات و روایات بسیاری درباره علم و دانش و آگاهی وارد شده و جای هیچ شکی نمی‌ماند که کسب علم، در هر زمانی ضرورت دارد و هر جامعه‌ای برای به‌دست آوردن آن باید تلاش کند. علم است که زمینه پیشرفت، کلید نجات از مشکلات و حتی باعث کسب ثروت می‌شود؛ لذا علم و دانش برای کارگزاران نظام اسلامی لازم و امری ضروری به‌شمار می‌آید. چه بسیار بوده است که دشمنان از جهل و نادانی برخی استفاده کرده است و لطمات فراوانی را بر نظام اسلامی وارد ساخته است. این نکته را نیز باید توجه کنیم که در قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام کسب علم منحصر در علوم دینی نیست، بلکه قرائنی وجود دارد که هر علم مفید و سودمندی که به بشریت و زندگی ایشان کمک کند، نافع است. البته علمی مورد تأیید اسلام است که انسان را به کمال برساند، به خداوند نزدیک کند و کارگزار نظام اسلامی باید صاحب مهارت و خبرویت علمی در موضوع مورد تصدی خود در ساختار سیاسی باشد. و از آنجاکه نظام اسلامی است طبیعتاً باید به احکام اسلامی در حوزه تخصص خود واقف باشد تا هم آن را رعایت کند و هم اقدامات اساسی برای اجرای احکام نورانی اسلام انجام دهد.

بنابراین علم وسیله است نه هدف؛ وسیله برای اینکه دنیا و آخرت انسان را آباد سازد. هرچند ارزش هر علمی به موضوع آن علم است و در این میان علوم الهی و دینی با توجه به موضوعشان از سایر علوم اشرف و برتر هستند. در فرهنگ اسلامی هر دانشی که مورد نیاز زندگی بشر است، دارای اهمیت است و توصیه به فراگیری آنها به قدر کفایت شده است. ممکن است شخصی با علم شیمی خود به زندگی مردم کمک کند این علم نافع است و او را به کمال خواهد رساند.

۳. اخلاق کارگزار نظام اسلامی

ویژگی‌های خلّقی در نظام اسلامی از مهم‌ترین محورهای است که مدیران و کارگزاران بسیار باید توجه نموده و خود را به آنها متصف سازند و نیز در انتخاب‌ها و گزینش‌های خود این بُعد را مدنظر قرار دهند. مقصود از ابعاد خلّقی کارگزاران در این مبحث، اخلاق فردی و شخصی ایشان است که در ادامه به این ویژگی‌ها می‌پردازیم.

۳-۱. تعبد و بندگی در برابر خداوند

یکی از خصوصیات برجسته و ویژه مدیران و کارگزاران، عبودیت و بندگی در برابر خداوند متعال است. تهذیب نفس، لازمه هر کارگزاری در نظام اسلامی است؛ زیرا نظام اسلامی به مسئولانی احتیاج دارد که پاکدست و مؤمن باشند و خداوند را در انجام مسئولیت‌هایشان حاضر و ناظر ببینند. از مشکلاتی که نظام اسلامی همیشه با آن دست و پنجه نرم کرده است عدم مسئولیت‌پذیری بوده که به آن خواهیم پرداخت، اما تعبد و بندگی در برابر خداوند، مسئولیت‌پذیری را به‌دنبال خواهد داشت. برای پی بردن به تأثیر عبادت و نیایش در تهذیب نفوس و پرورش فضائل اخلاقی، قبل از هر چیز باید با مفهوم و حقیقت عبادت آشنا شد. برای یافتن حقیقت عبادت، باید به واژه «عبد» و مفهوم آن که ریشه اصلی عبادت است، توجه نمود.

«عبد» از نظر لغت، به انسانی گفته می‌شود که سر تا پا تعلق به مولا و صاحب خود دارد؛ اراده‌اش تابع اراده او و خواستش تابع خواست اوست؛ در برابر او خود را مالک چیزی نمی‌داند و در اطاعت او سستی به خود راه نمی‌دهد. به عبارت دیگر، «عبودیت» نهایت اوج تکامل روح یک انسان و قرب او به خداست، عبودیت، تسلیم مطلق در برابر ذات پاک اوست (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۳۵).

حال با این مقدمه به آیات مرتبط در این باب می‌پردازیم: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره: ۲۱)؛ ای مردم! پروردگار خود را پرستش کنید؛ آن کس که شما و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، تا پرهیزکار شوید. در این آیه، همه انسان‌ها که از جمله آنها کارگزاران نظام اسلامی هستند، بدون استثنا مخاطب قرار گرفته‌اند و خداوند راه تقوا را عبادت خودش معرفی می‌کند. اوست که خالق همه کس و همه چیز و مالک همه کس و همه چیز است؛ و تنها او شایسته عبادت است، نه بت‌ها و نه چیز دیگری؛ هر کس رو به سوی عبودیت خالص او

عبادت رها شوند، مدت زیادی بر آنها می‌گذرد (و از یاد خدا غافل می‌شوند) لذا دل‌های آنها قساوت پیدا می‌کند. روشن است که کارگزار نظام اسلامی با عبادت خالصانه و مخلصانه و در مقابل عدم پیروی از طاغوت و شیطان، هرچه بیشتر باید خود را به خداوند نزدیک‌تر کند و از تعلقات دنیوی و حرص و طمع و انواع رذایل دوری گزیند.

۳-۲. اخلاص در رفتار و پرهیز از روحیه ارباب‌منشی

منظور از «اخلاص» همان خلوص در نیت است و خلوص در نیت نیز این است که انگیزه تصمیم‌گیری تنها خداوند باشد. ممکن است افرادی دارای اراده‌های محکم برای انجام اموری باشند، اما انگیزه آنها رسیدن به اهداف مادی باشد، درحالی‌که زمام‌داران نظام اسلامی باید اراده نیرومند خود را آمیخته با خلوص نیت و برخاسته از انگیزه‌های الهی قرار دهند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۶۹).

در قرآن کریم خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيُعْبَدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءً وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينٌ الْقَيِّمَةُ» (بینه: ۵)؛ و به آنها دستوری داده نشده بود جز اینکه خدا را پرستند، درحالی‌که دین خود را برای او خالص کنند و از شرک به توحید بازگردند، نماز را برپا دارند و زکات را بپردازند؛ و این است آیین مستقیم و پایدار! این آیه به وضوح اهمیت مسئله اخلاص را بیان می‌دارد همان‌طور که در کنار دستوراتی همچون نماز و زکات ذکر شده است. کارگزاران در انجام امور و اداره جامعه باید خلوص در رفتار و نیت خود داشته و از هرگونه ارباب‌منشی در برابر آحاد جامعه پرهیز نمایند. چنان‌که در قرآن کریم خداوند می‌فرماید هیچ پیامبری حق ندارد خود را ارباب مردم معرفی کند: «مَا كَانَ لِيَشْرَ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبُوءَةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ...» (آل عمران: ۷۹)؛ برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند، کتاب آسمانی و حکم و نبوت به او دهد سپس او به مردم بگوید: غیر از خدا، مرا پرستش کنید! بلکه [سزاوار مقام او، این است که بگوید:] مردمی الهی باشید [و غیر از خدا را پرستش نکنید!].

در احادیث نیز، بسیار بر این مسئله تأکید شده است. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «إِذَا عَمِلْتَ عَمَلًا فَاعْمَلْ لِلَّهِ خَالِصًا؛ لِأَنَّهُ لَا يَقْبَلُ مِنْ عِبَادِهِ الْأَعْمَالَ إِلَّا مَا كَانَ خَالِصًا» (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۷، ص ۱۰۳)؛ هرکاری که انجام می‌دهی، خالصانه و برای رضای خدا باشد؛ زیرا جز عمل خالص در پیشگاه خداوندی پذیرفته نمی‌شود.

آورد، شکوفه‌های تقوا بر شاخسار جاننش آشکار خواهد شد و این آلودگی‌های اخلاقی ناشی از عبادت غیرخدا می‌باشد (همان، ص ۳۳۸). همچنین: «أَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (عنکبوت: ۴۵)؛ آنچه را از کتاب [آسمانی] به تو وحی شده تلاوت کن، و نماز را برپا دار، که نماز [انسان را] از زشتی‌ها و گناه بازمی‌دارد، و یاد خدا بزرگ‌تر است؛ و خداوند می‌داند شما چه کارهایی انجام می‌دهید.

راه اصلی پیمودن مسیر عبادت و خضوع در برابر پروردگار، «اقامه نماز» است. در این آیه به رابطه نزدیک نماز و پرهیز از گناه و فحشا اشاره شده است. زمام‌داران، باید از هرگونه گناه و فحشا به دور باشند و راهش نماز است تا خود را به پروردگارشان نزدیک کنند. در این آیه شخص پیامبر ﷺ به‌عنوان یک الگو و اسوه، مخاطب شده است. فحشا و منکرات مجموعه افعال غیراخلاقی است و می‌دانیم تمام افعال غیراخلاقی سرچشمه‌ای از صفات ضدارزشی در درون جان انسان دارد؛ به‌عبارتی، همیشه اخلاق درونی است که در اخلاق برونی اثر می‌گذارد (همان، ص ۳۳۹).

روشن است که مدیر و کارگزار نظام اسلامی کسی می‌باشد که از رذایل اخلاقی به دور باشد و عبادت و یاد خداوند است که او را در دوری از آلودگی‌های اخلاقی کمک خواهد کرد که در آیات ذکرشده بر آن تأکید شد. عبادت و بندگی خدا، کارگزار را از فسادانگیزی برحذر می‌دارد، چون عالم را محضر خدا می‌بیند و راه خلاف را، عین ناسپاسی خداوند کریم می‌پندارد.

در روایات معصومان ﷺ نیز بر این مسئله بسیار تأکید شده و بازتاب گسترده‌ای داشته است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. در حدیثی از امام رضا ﷺ درباره آثار عبادت به‌طور کلی چنین آمده است: «... فَإِنَّ قَالَ قَائِلٌ فَلِمَ تَعْبُدُهُمْ قِيلَ لِنَلَّا يَكُونُوا نَاسِينَ لِذِكْرِهِ وَلَا تَارِكِينَ لِأَدْبِهِ وَلَا لَاهِينَ عَنْ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ إِذَا كَانَ فِيهِ صَلَاحُهُمْ وَقَوَامُهُمْ فَلَوْ تَرَكُوا بَعْضَ تَعْبُدِ لَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمْدُ فَفَسَسَتْ قُلُوبُهُمْ...» (صدوق، ۱۳۳۷، ج ۲، ص ۱۰۳)؛ مجلسی، بی‌تا، ج ۶ ص ۶۳)؛ اگر کسی بگوید: چرا خداوند به بندگانش دستور عبادت داده (مگر نیاز به عبادت آنان دارد؟) در پاسخ گفته می‌شود، این به‌خاطر آن است که یاد خدا را به فراموشی نسپارند و ادب را در پیشگاه او ترک نکنند و از امر و نهی او غافل نشوند؛ چراکه در آن، صلاح و قوام آنهاست و اگر مردم بدون پرستش و

بی‌عدالتی وادار کند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَتَانُ قَوْمٍ عَلَىٰ آلَا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ...» (مائده: ۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشانند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است!..

در جامعه عدالت‌محور و نظام دادگستر، انسان درست تربیت می‌شود و با آسایش و فراغت به تکلیف تن می‌دهد و به مقررات، اصول اجتماعی و حقوق همگان احترام می‌گذارد و راه عروج به معنویت و ملکوت هموار می‌گردد. در سایه سیاه ستم و اجتماع جوربنیاد که هیچ‌گونه امنیت اجتماعی و عدالت معیشتی ندارد، نمی‌توان انتظار داشت، مردمان وظیفه‌شناس باشند، از حقوق خویش تجاوز نکنند و به احکام شرع و دین پایبند باشند (حکیمی، ۱۳۹۲، ص ۳۵). عدالت اجتماعی ارزشی است که با فراگیر شدن آن، جامعه دارای زمینه‌هایی می‌گردد که افراد به حق خود می‌رسند و امور جامعه به تناسب و تعادل در جای بایسته خویش قرار می‌گیرد (سیدباقری، ۱۳۹۳، ص ۱۲۶).

در احادیث نیز مسئله عدالت و ظلم‌ستیزی موج می‌زند. در تعالیم نظری و عملی اهل‌بیت^ع سفارش‌های فراوانی درباره اجرای عدالت دیده می‌شود، این موضوع در سخنان، اخلاق و روش سیاسی اجتماعی امیرمؤمنان علی^ع بسیار می‌درخشد. از نظر آن حضرت، اصلی که می‌تواند تعادل اجتماع را حفظ کند و به پیکر اجتماع آرامش بدهد، عدالت است. آن امام همام چون تشنگان، به دنبال چشمه زلال عدالت بود، خود تندیس عدالت به‌شمار می‌آمد و ذرات وجودش با عدالت آمیختگی داشت و از کوچک‌ترین ستمی حتی گرفتن دانه‌ای جو از مورچه‌ای گریزان بود؛ زیرا عرصه دیگر عدالت تأکید بر استقرار عدالت در درون انسان است. انسان عادل است که می‌تواند عدالت را در جامعه برقرار سازد (علیخانی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۰۵). ایشان در این راستا به گفته و نوشته و شعار اکتفا نمی‌کردند؛ بلکه عملاً برای محو ستم و استقرار عدالت تلاش می‌کردند. ایشان نگهدار و برپادارنده عدالت گردید تا جایی که در راه عدالت به شهادت رسید (گلی زواره قمش‌های، ۱۳۸۵).

درباره عدالت و ظلم‌ستیزی آیات و روایات فراوانی موجود است که به همین مقدار کفایت می‌کنیم. کارگزاران نظام اسلامی نیز باید تمام اهداف خود را بر پایه اجرای عدالت و از بین بردن ظلم تنظیم نمایند.

امام صادق^ع اخلاص را از نعمت‌ها و موهبت‌های بزرگ می‌شمارد و می‌فرماید: «ما أَنْعَمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَىٰ عَبْدٍ أَجَلَ مِنْ أَنْ لَا يَكُونَ فِي قَلْبِهِ مَعَ اللَّهِ تَعَالَىٰ غَيْرُهُ» (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۰، ص ۲۱۱)؛ نعمت و موهبتی بزرگ‌تر از این نیست که خداوند به انسان حالتی بدهد که در اندیشه و فکرش جز خدا به هیچ‌کس نیندیشد.

همان‌طور که ملاحظه شد، در قرآن کریم و روایات به صراحت از ارباب‌منشی و پرستش غیرخدا نهی شده است و عبادت و پرستش و سجده و اطاعت را فقط مخصوص خداوند می‌داند. حاکمان هیچ‌گاه نباید مردم عوام را نوکران و رعیت خود به حساب آورند؛ بلکه در اسلام، این حاکمان و کارگزاران اند که خادمان مردم می‌باشند.

۳-۳. عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی

عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی از جمله مفاهیمی هستند که از اهداف اصلی بعثت انبیا به‌شمار می‌آیند و همه انبیا و اوصیاء الهی به دنبال برقرار نمودن عدالت در جامعه بشری و مبارزه با هرگونه ظلم بوده‌اند. در آیات و روایات نیز بر عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی بسیار تأکید شده است. ترک عدالت در مکتب اسلام بسیار مذموم و گناه محسوب می‌شود؛ زیرا نبود عدالت در هر عملی باعث سوءاستفاده خواهد شد و کسانی که عدالت را در اجتماع رعایت نمی‌کنند به ظلم‌رسانی به دیگران و تجاوز به حقوق دیگران مبادرت می‌ورزند. ترک عدالت، به مسئولیت‌گریزی می‌انجامد.

شهید مطهری در این زمینه می‌نویسد: «از نظر ما ریشه اصلی و ریشه ریشه‌های طرح‌های علمی و عملی مسئله عدل را در جامعه اسلامی، در درجه اول، در خود قرآن کریم باید جست‌وجو کرد. قرآن است که بذر اندیشه عدل را در دل‌ها کاشت و آبیاری کرد... بیشترین آیات مربوط به عدل، درباره عدل جمعی و گروهی است؛ اعم از خانوادگی، سیاسی، قضائی، اجتماعی... در قرآن از توحید گرفته تا معاد، از نبوت گرفته تا امامت و زعامت و از آرمان‌های فردی گرفته تا هدف‌های اجتماعی، همه بر محور عدل استوار شده است» (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۳۵).

از آنجاکه عدالت برای هر جامعه‌ای جنبه حیاتی دارد و نبود آن، هر اجتماعی را در پرتگاه نابودی قرار می‌دهد، قرآن کریم عدالت را در هر سطحی و بدون توجه به اختلافات قومی و مذهبی و... واجب می‌داند؛ همان‌طور که تأکید می‌کند، مبدا دشمنی با گروهی، شما را به

من می‌باشند و بعد به اسم دوازده امام معصوم بعد از خودشان تصریح می‌کنند» (همان، ج ۴، ص ۴۰۹).

بنابراین اطاعت از امامان معصوم^{علیهم‌السلام} به فرموده‌ی خداوند واجب است. در زمان غیبت امام معصوم^{علیهم‌السلام} نیز اطاعت از جانشینان خاص یا عام ائمه^{علیهم‌السلام} اطهار^{علیهم‌السلام} به فرموده‌ی آن بزرگواران واجب است، همچنان که در توفیق منسوب به امام زمان^{علیه‌السلام} به این امر تصریح شده است. آن حضرت سؤال‌های اسحاق بن یعقوب را به خط مبارک خود جواب داده و در یک مورد نوشتند: «لَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَيَّ رُوَاهُ حَدِيثًا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» (صدوق، ۱۳۵۴، ج ۲، ص ۴۸۴)؛ در پیشامدهایی که رخ می‌دهد به راویان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنها هستم.

بنابراین، ولی در نظام اسلامی، از جایگاه والایی برخوردار بوده و اطاعت از او واجب و لازم شمرده شده و امروزه که دست مردم از داشتن امام معصوم کوتاه است، عقل و شرع به تبعیت از نائب امام معصوم، امر می‌نماید که از وی به ولی فقیه تعبیر می‌شود. در این میان کارگزار ولایتمدار کسی است که ولایت او را که از پشتوانه شرعی و قانونی برخوردار است پذیرفته و در عمل، اثبات نماید (نقدیان، ۱۳۸۰، ص ۴۶).

۴-۲. حکمت و مصلحت‌سنجی

از شاخصه‌های اصلی مدیران و کارگزاران نظام اسلامی، داشتن حکمت و در نظر گرفتن مصلحت در امور است. حکمت در لغت به معنای دانایی، فرزندی و علم معنا شده و در اصطلاح «حکمت» به معنای رسیدن به حق از طریق علم و عقل یا سنجیده عمل کردن است. حکمت عملی است که انسان را از کار بد و دور از شأن مانع می‌گردد. مصلحت نیز عبارت است از آن چیزی که بر عملی بار می‌شود و موجب درستی آن می‌شود. چنان که گفته می‌شود: امام مصلحت را در این دید، یعنی چیزی که سبب صلاح می‌شود (داوودی، ۱۳۹۴). در آیات قرآن کریم خداوند مسئله حکمت و مصلحت را متذکر شده است، از جمله آیه: «ذَلِكِ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَى فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا» (اسراء: ۳۹). خداوند پس از ذکر آیاتی که مشتمل بر اوامر و نواهی است، این آیه را فرموده است که نشان می‌دهد، حکمت خداوند انسان را از انجام کار ناپسند دور و از افتادن در وادی گناه و فساد بازمی‌دارد؛ همچنان که در آیه ۳۸ همین سوره، می‌فرماید:

برخورد و رفتار کارگزاران و مسئولان حکومت با مردم باید رنگ عدالت به خود گیرد، عادلانه و عاری از هرگونه ظلم و اجحافی باشد. اگر عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی جریان داشته باشد، باعث رشد و شکوفایی استعدادها و برطرف شدن محرومیت‌ها خواهد شد.

۴. کارایی کارگزار نظام اسلامی

در حکومتی که براساس دستورات اسلامی اداره و هدایت می‌شود، ملزوماتی را نیز برای مجریان و مدیران حکومت دارد که در عرصه اداره کردن جامعه باید به این ملزومات پایبند و براساس آنها عمل نمایند. کارگزاران نظام اسلامی برای اداره چنین جامعه‌ای ضروری است که مؤلفه‌هایی را در عملکرد خود ملاحظه کنند و توانایی خود را با در نظر داشتن مواردی که در ذیل خواهد آمد به منصفه ظهور رسانند.

۴-۱. ولایتمداری

در اسلام مسئله ولایت از جایگاه والایی برخوردار بوده و در قرآن کریم و روایات نیز بسیار بر آن تأکید شده است. ولایت در اصل به معنای مالکیت تدبیر امر است، مثلاً ولی صغیر یا مجنون یا سفیه، کسی است که مالک تدبیر امور و اموال آنان باشد، با اینکه خودشان مالک اموال خویشانند، اما تدبیر امر اموالشان به دست ولیشان می‌باشد (طباطبائی، ۱۳۴۹، ج ۳، ص ۱۵۱، ذیل آیه ۲۸ آل عمران). خداوند متعال می‌فرماید: «الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أُنْفُسِهِمْ...» (احزاب: ۶)؛ پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است... در آیه دیگری می‌فرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵)؛ سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند؛ همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند. ادله و روایات بسیاری، هم از جانب امامیه و هم از طریق اهل سنت وارد شده است بر اینکه این آیه و آیه بعدش در شأن علی بن ابیطالب^{علیه‌السلام} وقتی که در نماز انگشتر خود را صدقه داد، نازل شده است.

همچنین در آیه ۵۹ سوره «نساء»، امر به اطاعت «اولی الامر» شده است که مفسران شیعه، مراد از آن را ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} دانسته و بر آن اتفاق نظر دارند. در روایتی آمده است: «جابر بن عبد الله انصاری پس از اینکه این آیه نازل شد در مورد «اولی الامر» از پیامبر اکرم^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} سؤال کرد و ایشان در جواب فرمودند که آنان، ائمه مسلمین بعد از

۳-۴. مسئولیت‌پذیری

دهخدا/ مسئولیت را چیزی بر گردن و بر عهده کسی بودن معنا می‌کند. در لغت به معنای موظف بودن یا متعهد بودن به انجام کاری می‌باشد. گفته می‌شود مسئولیت‌پذیری ارتباط مستقیمی با وظیفه‌شناسی دارد؛ به این معنا که اگر وظایف به‌خوبی انجام شوند، مسئولیت برطرف می‌شود. همچنین مسئولیت‌پذیری امری فطری است، اما انسان با پرداختن به خواسته‌ها و امیال نفسانی از آن فاصله می‌گیرد (رستمیان، ۱۳۹۳).

در قرآن کریم، همه آیاتی که انسان را به راهی هدایت می‌کند و برای انسان دستوراتی دارد، به نوعی به انسان مسئولیتی را محول می‌کند و از انسان می‌خواهد مسئولیت‌پذیر باشد. از جمله آن آیات که شاید جامع‌ترین آنها در این زمینه باشد، آیه ۱۷۷ سوره «بقره» می‌باشد که خداوند می‌فرماید: «نیکو، [تنها] این نیست که [به هنگام نماز] روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب کنید؛ [و تمام گفت و گوی شما، درباره قیله و تغییر آن باشد؛ و همه وقت خود را مصروف آن سازید؛] بلکه نیکو [و نیکوکار] کسی است که به خدا، و روز رستاخیز، و فرشتگان، و کتاب [آسمانی]، و پیامبران، ایمان آورده؛ و مال [خود] را، با همه علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می‌کند؛ نماز را برپا می‌دارد و زکات را می‌پردازد؛ و [همچنین] کسانی که به عهد خود - به هنگامی که عهد بستند - وفا می‌کنند؛ و در برابر محرومیت‌ها و بیماری‌ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند؛ اینها کسانی هستند که راست می‌گویند؛ و [گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است]؛ و اینها هستند پرهیزکاران!»

این آیه انسان متقی را مسئولیت‌پذیر می‌داند و می‌توان نتیجه گرفت که زمینه اصلی مسئولیت‌پذیری، تقوای الهی است. تقواست که مؤمن را مسئولیت‌پذیر می‌کند. نبود تقوا و عدم توجه انسان به خدا و صراط مستقیم، باعث فرار او از زیر بار مسئولیت می‌شود. خداوند متعال در آیات دیگری به این نکته اشاره می‌کند که ایمان و تقوا، عامل مسئولیت‌پذیری مؤمنان می‌شود: «آنها که به خدا و روز جزا ایمان دارند، هیچ‌گاه برای ترک جهاد [در راه خدا] با اموال و جان‌هایشان، از تو اجازه نمی‌گیرند؛ و خداوند پرهیزگاران را می‌شناسد. تنها کسانی از تو اجازه [این کار را] می‌گیرند که به خدا و روز جزا ایمان ندارند، و دل‌هایشان با شک و تردید آمیخته است؛ آنها در تردید خود سرگردانند» (توبه: ۴۴ و ۴۵).

«همه اینها گناهش نزد پروردگار تو ناپسند است.» انسان نیز باید عملش با حکمت باشد و نه تنها خود بلکه دیگران را نیز با عمل سنجیده خود از تباهی درآورده و به سعادت نزدیک کند.

رعایت مصلحت جامعه اسلامی نیز از جمله مسائلی است که بسیاری از علما بر آن نظر داشته‌اند؛ فقهای دین با توجه دلایل عقلی و شرعی، صدور احکامی که مقتضای مصلحت مسلمانان باشد را در زمان غیبت معصوم و وظیفه فقها و تبعیت از آن احکام را از طرف مردم واجب می‌دانند. بنابراین در تصمیم‌گیری‌ها، رعایت مصلحت جامعه اسلامی و امت اسلامی باید مدنظر قرار گیرد و کارگزاران و حاکمان حکومت در عملکرد خود این اصل را باید تحت هر شرایطی رعایت نمایند. کارگزار نظام اسلامی باید همیشه در اعمال خود به مصلحت جامعه اسلامی توجه داشته باشد و از هرگونه عملی که از خرد و حکمت بی‌بهره است، دوری گزیند. تعجیل در امور، خودرأیی، درنظر نداشتن مصالح و مفاسد امور باعث گمراهی و ضلالت خواهد شد.

امیرمؤمنان علی علیه السلام در خطبه سوم *نهج البلاغه*، مصلحت‌اندیشی برای جامعه اسلامی را متذکر می‌شوند و می‌فرمایند: «آگاه باشید! به خدا سوگند! ابابکر، جامعه خلافت را بر تن کرد، درحالی که می‌دانست جایگاه من نسبت به حکومت اسلامی، چون محور آسیاب است به آسیاب، که دور آن حرکت می‌کنند... پس من ردای خلافت رها کرده و دامن جمع نموده، از آن کناره‌گیری کردم و در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خود به‌پا خیزم یا در این محیط خفقان‌زا و تاریکی که به‌وجود آوردند، صبر پیشه سازم؟ پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه‌تر دیدم.»

مقام معظم رهبری در تبیین حکمت در نظام اسلامی می‌فرماید: «حکمت، یعنی نظام اسلامی حکیمانه کار کند و از روی احساسات و بی‌توجه به منافع و شرایط لازم و بهره‌هایی که ما باید از رابطه با دنیا بگیریم، حرکت نکند. دید باید کاملاً حکیمانه و پخته باشد. ای بسا ما با یک دشمن که در نهایت هم برخورد داریم، الان باید بنشینیم با او طرح دوستی بریزیم. این حکمت است. خیال نکنید اینها از اسلام نیست؛ نخیر، آنجایی که جایش باشد، از اسلام است... بنابراین وقتی از حکمت صحبت می‌کنیم؛ یعنی رعایت مصلحت جمهوری اسلامی و ملاحظه تمام استفاده‌هایی که این نظام می‌تواند از ارتباط با آن دولت‌ها ببرد» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۸).

با این اشاره به سراغ آیات قرآن کریم می‌رویم و با تعبیرات و تأکیدات قرآن در این زمینه آشنا می‌شویم: «... إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نُّعَمُّ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ» (ص: ۴۴)؛ ... ما او را شکیبایافتیم؛ چه بنده خوبی که بسیار بازگشت‌کننده [به سوی خدا] بود! حضرت ایوب علیه السلام در قرآن کریم به‌عنوان الگوی صبر و اسطوره مقاومت معرفی شده است. آن حضرت آزمون‌های بزرگی را پشت سر گذاشت؛ او که اموال، زراعت و گوسفندان فراوان و فرزندان برومند متعددی داشت، به یکباره همه چیز حتی فرزندانش را از دست داد، خود نیز به بیماری شدیدی مبتلا شد. زخم زبان‌های زیادی از دوست و دشمن شنید، اما هنگامی که تمام مراحل این آزمایش بزرگ را پشت سر گذاشت و شیطان را مأیوس نمود، در بهای رحمت الهی به روی او گشوده شد و نه‌تنها اموال و فرزندانش، بلکه به مقام «نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ» رسید (همان، ص ۴۳۰). در اداره جامعه اسلامی نیز صبر و استقامت؛ چه در مشکلات داخلی و چه در برابر دشمنان باعث گشوده شدن باب‌های رحمت الهی بر جامعه مسلمین خواهد شد.

آیات دیگری در این زمینه وجود دارد که در اینجا به آیه‌ای که صبر و استقامت را کلید رستگاری و نجات معرفی می‌کند، اکتفا می‌کنیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۲۰۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [در برابر مشکلات و هوس‌ها،] استقامت کنید! و در برابر دشمنان [نیز]، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید. در این آیه، چهار دستور داده شده که سرچشمه رستگاری و کلید سعادت است. نخست، صبر و استقامت در برابر مشکلات و مصائب؛ دوم «مصابره» که به‌معنای صبر و استقامت در برابر صبر و استقامت دیگران آمده که ناظر به ایستادگی در برابر دشمن است؛ که هر قدر آنها بیشتر پافشاری کنند، مؤمنان باید بر مقاومت خودشان بیفزایند تا بر دشمن غالب شوند. «مرباطه» نیز معمولاً به‌معنای مراقبت از مرزها می‌آید. در پایان هم، امر به تقوای الهی شده که مانند چتری بر همه دستوره‌های سایه می‌افکند و هنگامی که صبر و مصابره و مربوطه به‌دور از هرگونه ریاکاری و اغراض شخصی، آمیخته با تقوا گردد، سبب فلاح و رستگاری و نجات در دنیا و آخرت خواهد بود (همان، ص ۴۳۹).

روایاتی که در زمینه صبر و استقامت از معصومان علیهم السلام به ما رسیده، بسیار زیاد است. برای نمونه، بخشی از روایاتی که بیشتر

امیرمؤمنان علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «... اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِيَادِهِ وَبِلَادِهِ؛ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبِهَائِمِ. أَطِيعُوا اللَّهَ وَلَا تَعَصُوا، وَإِذَا رَأَيْتُمُ الْخَيْرَ فَخُذُوا بِهِ، وَإِذَا رَأَيْتُمُ الشَّرَّ فَأَعْرِضُوا عَنْهُ» (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۰، خطبه ۱۶۷)؛ ... از خدا بترسید و تقوا پیشه کنید؛ زیرا شما در پیشگاه خداوند، مسئول بندگان خدا و شهرها و خانه‌ها و حیوانات هستید. خدا را اطاعت کنید و از فرمان خدا سر باز نزنید، اگر خیری دیدید، برگزینید و اگر شری و بدی دیدید، از آن دوری کنید. در نظام اسلامی نیز همه مسئول هستند، مخصوصاً آن افرادی که سِمَت و یا مسئولیتی را بر عهده دارند. کسانی که به مسئولیت‌ها و وظایف خود در قبال نظام اسلامی و در راه خدمت به مردم عمل نکنند و کوتاهی نمایند، به تعبیر بزرگان خائن است. خائن به اسلام و مردم است. احساس مسئولیت و وظیفه‌شناسی نسبت به نظام اسلامی و نسبت به امور مردم، باید به‌عنوان یک اصل بنیادین، مورد توجه رهبران و کارگزاران و مسئولان حکومت اسلامی باشد.

۴-۴. صبر و استقامت در امور

زندگی در این دنیا برای انسان همواره با مشکلات و دگرگونی‌هایی همراه است و اگر انسان در مقابل آن مشکلات استقامت نماید و صبر پیشه کند، پیروزی و رحمت الهی نصیبش خواهد شد؛ اما اگر از بی‌تابی کند و در برابر آن مشکلات زانو زند، هیچ‌گاه به موفقیت نخواهد رسید. منظور از «صبر» استقامت در برابر مشکلات و حوادث گوناگون است و «جزع» و بی‌تابی، نقطه مقابل آن، به‌معنای از دست دادن مقاومت و تسلیم شدن در برابر مشکلات است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۴۲۷).

از نیازهای اصلی جامعه امروز، داشتن صبر و استقامت در برابر مشکلاتی است که در موارد بسیاری دشمنان به وجود می‌آورند و در برهه‌هایی از زمان دیده شد که بعضی از مسئولان این جامعه صبر خود را کنار گذاشته و به دامن دشمن شتافتند و چه مشکلات عدیده‌ای را نه‌تنها برای خود، بلکه برای دیگران و جامعه به وجود آوردند. از وظایف مهم و حیاتی مسئولان نظام اسلامی، استقامت در برابر فشارها و مشکلات و مصیبت‌ها می‌باشد. تنها راه مقابله و شکست دادن دشمن، مقاومت در مقابل اوست و این وعده الهی است که با صبر و استقامت، دشمن هرچند هم بسیار باشد، باز هم شکست خواهد خورد.

را «ناصح» می‌گویند، کار خیاط را نیز نصح می‌نامند؛ به‌خاطر اصلاح کردن پارچه‌ای که به او داده شده است و از آنجا که شخص خیرخواه از روی خلوص و اخلاص در اصلاح کار دیگران می‌کوشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۸۰۸). در هر صورت، خیرخواهی و نصح از فضایل معروفی است که کارگزاران نظام اسلامی همیشه باید به آن متصف باشند و در هر زمان در اندیشه خیرخواهی مردم و اصلاح نمودن کارهای آنها باشند. مسئولیت خود را با اخلاص انجام دهند و سعادت دنیوی و اخروی مردم را در نظر داشته باشند. در مقابل دوری از هرگونه سوءاستفاده شخصی و یا عدم ترجیح منافع عده‌ای خاص، از اصلی‌ترین ملزومات آنها می‌باشد و بسیار مهم است که اگر کسی در جایگاهی قرار گرفت، عمل خود را برای رضای خداوند و خیرخواهی مردم انجام دهد و بدون توجه به منافع حزب و جناح خود و پرهیز از هرگونه خیانتی به اصلاح امور جامعه بپردازد.

در قرآن کریم پیامبران الهی خیرخواهان امت‌ها معرفی شده‌اند و یکی از صفات بارز آنها همین موضوع بوده است. قرآن کریم از زبان حضرت نوح علیه السلام چنین نقل می‌کند که به قوم خود فرمود: «أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَ أَنْصَحُ لَكُمْ وَ أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف: ۶۲)؛ رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم؛ و خیرخواه شما هستم؛ و از خداوند چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید. در این آیه بعد از مسئله ابلاغ رسالت سخن از نصح و خیرخواهی امت به میان آمده که نقطه مقابل حسد و بخل و خیانت است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره مردی از طایفه انصار شهادت دادند که او از اهل بهشت است، هنگامی که درباره زندگی این مرد بهشتی تحقیق کردند، عبادت زیادی در او مشاهده نکردند، بلکه دیدند شب هنگام که به بستر استراحت می‌رود، یاد خدا می‌کند و سپس به خواب می‌رود، تا موقع نماز صبح، مشاهده این وضع موجب سؤال از خودش شد، او در پاسخ گفت: «مَا هُوَ إِلَّا مَا تَرَوْنَ غَيْرَ أَنِّي لَا أَجِدُ عَلَى أَحَدٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فِي نَفْسِي غِشًّا، وَلَا حَسَدًا عَلَى خَيْرٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ إِنَاءً» (ابی فراس، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۳۲۵)؛ وضع من همان است که دیدید، اما من نسبت به هیچ‌کس از مسلمانان که خدا نعمتی به او بخشیده در دل خود نه خیانتی می‌بینم و نه حسدی (بلکه من خیرخواه همه هستم و از نعمت‌های آنها خوش‌حالم). در حدیث دیگری آمده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ مَنَزَلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَشَاهِمُ فِي أَرْضِهِ بِالنَّصِيحَةِ لِخَلْقِهِ» (کلینی،

مرتبط با موضوع این نگارش می‌باشد را ذکر می‌کنیم: امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «بر شما باد صبر و استقامت کردن؛ زیرا صبر نسبت به ایمان، همانند سر به بدن است. کسی که صبر و استقامت ندارد، ایمان او پایدار نخواهد ماند» (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۰، حکمت ۸۲). این روایت نشان می‌دهد که صبر، نقش کلیدی برای تمام ابعاد زندگی انسان دارد، به همین دلیل، صبر را مایه پایداری ایمان خوانده است (همان، ص ۴۴۷). در حدیث دیگری امیرمؤمنان علی علیه السلام به‌وضوح می‌فرماید: «الصَّبْرُ عَوْنُ عَلِيٍّ كُلِّ أَمْرٍ» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۱۴۶)؛ صبر و شکیبایی به پیشرفت هر کار (مهمی) کمک می‌کند.

در زندگی و نظام حکومت‌داری، در هر کار مهمی، موانعی قرار دارد که عبور از آنها فقط با نیروی صبر و استقامت ممکن است. افراد سست‌اراده و کم‌حوصله و کم‌استقامت، بسیار زود از میدان حوادث می‌گریزند، یا در برابر حجم مشکلات زانو می‌زنند. نه دنیا را بدون صبر و استقامت به انسان می‌دهند و نه آخرت را؛ به همین دلیل، کشورها و ملت‌هایی در جهان پیشرفت دارند که استقامت بیشتری داشته باشند. کارگزار نظام اسلامی نیز باید از چنان صبر و استقامتی برخوردار باشد که بتواند در مقابل دشمنانی که هر لحظه در کمین نشسته‌اند، ایستادگی کند و از بی‌صبری دشمن استفاده نکند. بی‌صبری و بی‌تابی و عدم استقامت، دشمن را مصرتر کرده و شکست در برابر او را حتمی خواهد کرد.

۴-۵. خیرخواه مردم

«نصح» و «خیرخواهی» نقطه مقابل حسد است، به این معنا که نه تنها انسان خواهان زوال نعمت از دیگران نباشد، بلکه طالب بقای نعمت و افزون شدن آن برای همه نیکان و پاکان گردد، یا به تعبیری دیگر، آنچه از خیر و خوبی و سعادت معنوی و مادی برای خویش می‌خواهد برای دیگران نیز بطلبد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۴۸). واژه نصح و نصیحت گرچه در زبان روزمره فارسی ما معمولاً به معنای اندرز به کار می‌رود، اما در لغت عرب چنین نیست، بلکه مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد.

راغب اصفهانی در کتاب *مفردات* می‌گوید: نصح و نصیحت هر کار و هر سخنی است که در آن مصلحت دیگری باشد و این واژه در اصل به معنای خلوص و اخلاص است. به همین دلیل عسل خالص

۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۲۰۸، ح ۵؛ بلندمقام‌ترین مردم در پیشگاه خداوند در قیامت کسی است که از همه بیشتر در خیرخواهی مردم تلاش کرده است» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۴۸). کارگزار نیز باید کشور و نظامش را مانند خانواده خود بداند و بهترین‌ها را برای این خانواده بزرگ فراهم کند و تمام تلاشش را برای قوی‌تر و استوارتر ساختن این خانواده به کار بندد.

۴-۶. امانت‌داری

در هر جامعه‌ای اگر کارگزاران آلوده به خیانت باشند، فساد در آن جامعه رواج می‌یابد و پیشرفتی برای آن متصور نیست، اما در مقابل امانت‌داری آنان موجب جمع شدن بساط فساد و مفسد خواهد شد. امانت سرمایه اصلی جامعه انسانی و سبب پیوند مردم با یکدیگر و نظم معاش و معاد آنهاست، درحالی‌که خیانت آتش سوزانی است که همه پیوندها را از میان می‌برد و سبب هرج و مرج جامعه و فقر و ضعف و بدبختی است. واگذاری مسئولیت به افراد ذی صلاح، حفظ اموال دولتی، رعایت مصرف بیت‌المال، حفظ اسرار نظام و کشور، انجام صحیح مسئولیت‌های واگذار شده، مراقبت از عدم تضییع امکانات و نیروهای تحت امر، اجرای درست قوانین و عدم سوءاستفاده از قدرت، همگی از مصادیق امانت‌داری محسوب می‌شوند. اموال و ثروت‌های مردم، جایگاه و مقام‌های اجتماعی، امانت‌هایی است که مردم و حاکمان، مأمور به حفظ آنها هستند.

آیات متعددی در سُوَر مختلف پیرامون اهمیت امانت و امانت‌داری وارد شده که یکی از آن آیات در سوره «نساء» خداوند می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا» (نساء: ۵۸)؛ خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید! و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید! خداوند، اندرزه‌های خوبی به شما می‌دهد! خداوند، شنوا و بیناست. در این آیه به صراحت، دو دستور داده شده است؛ دستوری درباره امانت و دستور دیگری درباره عدالت. با اینکه مسئله حکومت عادلانه و داوری صحیح در میان مردم جایگاه بسیار والایی دارد، اما در عین حال پیش از آن دستور به ادای امانت داده شده است که نشانه اهمیت فوق‌العاده آن است. ترتیبی که در آیه اشاره شده است شاید به خاطر این است که امانت مفهوم عامی دارد که

داوری عادلانه در میان مردم یکی از مصادیق آن است. در آیه دیگری خداوند ضمن بشارت دادن مؤمنان به فلاح و رستگاری و بعد از بیان اهمیت نماز و اعراض از لغو و بیهودگی و پرداختن زکات و پرهیز از هرگونه انحراف جنسی، اشاره به مسئله حفظ امانت و پایبندی به عهد و پیمان کرده است و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مؤمنون: ۸؛ معارج: ۳۳)؛ و آنها که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند. عطف وفای عهد بر حفظ امانت، بیانگر این حقیقت است که هر دو به یک ریشه بازمی‌گردند؛ چراکه پیمان‌شکنی نوعی خیانت در عهد و پیمان است و رعایت امانت نوعی وفاداری به عهد و پیمان محسوب می‌شود.

امانت و خیانت در احادیث معصومان علیهم‌السلام گاهی به‌عنوان نشانه اصلی ایمان و گاهی به‌عنوان سبب جلب و جذب رزق و روزی و اعتماد مردم، سلامت دین و دنیا و غنا و بی‌نیازی یاد شده که بعضی از آن روایات را مرور می‌کنیم. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ» (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۲، ص ۱۹۸)؛ کسی که امانت را رعایت نمی‌کند، ایمان ندارد. در حدیثی دیگر از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خطاب به امیرمؤمنان علیه‌السلام می‌خوانیم که: «ای ابوالحسن! امانت را چه مربوط به شخص نیکوکار باشد یا بدکار، چه کم باشد چه زیاد، به صاحبش برسان، حتی در نخ و سوزن» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۷۵). امیرمؤمنان علی علیه‌السلام درباره این حدیث می‌فرمایند: این سخن را پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ساعتی پیش از وفاتش به من فرمود و سه بار آن را تکرار کرد.

بنابراین امانت‌داری از ارکان زندگی چه شخصی و چه اجتماعی می‌باشد. امانت و خیانت پیامدهای فراوانی را در جامعه به همراه دارد که مهم‌ترین پیامد آن مسئله اعتماد و عدم اعتماد است. اگر در بین مردم جامعه اعتماد متقابل نباشد، جامعه بشری به جهنم سوزانی تبدیل خواهد شد که همه از یکدیگر وحشت دارند؛ زیرا دائماً از این نگرانند که خیانتی نسبت به آنها صورت نگیرد و مال یا جان یا ناموس یا مقامشان به خطر نیفتد و به‌یقین ادامه چنین زندگی که افراد از یکدیگر بترسند، ناگوار و دردناک است و ای‌بسا سبب بیماری‌های جسمی و روحی فراوانی شود (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۷۳).

۴-۷. مشورت‌طلبی

مشورت نمودن و مشورت‌پذیری از جمله مسائلی است که اسلام آن را بخصوص در امور اجتماعی و سیاسی مورد توجه قرار داده که در

اجابت کرده و نماز را برپا می‌دارند و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. واژه «امر» در آیه، به کارهای مهم و مسائلی که موردنیاز جامعه است، اشاره دارد. کلیت این مفهوم حتی امور مهم سیاسی، نظامی و اقتصادی و فرهنگی را دربرمی‌گیرد. بنابراین، این آیه دستور عامی را به مسلمانان متذکر می‌شود و بیانگر این است که مسلمانان در کارهای مهم باید با یکدیگر مشورت کنند.

بدیهی است مشورت در مسائلی است که حکم خاصی از سوی خداوند نازل نشده باشد، و اگر می‌گوییم شورا در امر خلافت پیامبر اکرم ص بی‌اعتبار است، به‌خاطر این است که در این زمینه دستور خاصی از سوی خداوند رسیده بود و با تعیین وصی و خلیفه ص از طریق وحی به وسیله پیامبر اسلام ص، جایی برای شورا باقی نمی‌ماند. پیامبر اکرم ص در روایتی مشورت کردن را یکی از اسباب حیات جامعه و عدم آن را از اسباب مرگ جامعه برمی‌شمرد: «إِذَا كَانَ أَمْرًاؤُكُمْ خَيْرًاكُمْ، وَأَعْيَاؤُكُمْ سَمَاءًاكُمْ، وَأَمْرُكُمْ سُورَى بَيْنَكُمْ، فَظَهَرَ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ بَطْنِهَا. وَإِذَا كَانَ أَمْرًاؤُكُمْ شِرَارًاكُمْ، وَأَعْيَاؤُكُمْ بُحْلَاءًاكُمْ، وَلَمْ يَكُنْ أَمْرُكُمْ سُورَى بَيْنَكُمْ، فَبَطْنُ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ ظَهْرِهَا» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۶)؛ هنگامی که زمام‌داران شما نیکان شما باشند و توانگران شما سخاوتمندان شما و کارهایتان به مشورت انجام گیرد، در این موقع روی زمین از زیر زمین برای شما بهتر است، (و شایسته حیات و زندگی هستید)، اما هرگاه زمامداران بدان شما و ثروتمندان شما، افراد بخیل باشند و در کارها مشورت نکنید، در این صورت، زیرزمین از روی آن برای شما بهتر است. همچنین امیرمؤمنان علی ص می‌فرماید: «مشورت عین هدایت است و کسی که تنها به فکر خود قناعت کند، خویشتر را به خطر انداخته است» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۶ ص ۸۷).

در نظام اسلامی نیز، کارگزاران و مسئولان در هر مرتبه‌ای که باشند نباید از این اصل غافل شوند. بهره‌بردن از مشورت باعث ایجاد اختلاف و کشمکش در بین اقسام مردم می‌شود. اختلاف و عدم همراهی مردم، هر کشوری را با مشکلات و شکست‌های عدیده‌ای مواجه می‌سازد. البته با هر کسی نباید مشورت کرد و این نکته‌ای است که باید به آن توجه نمود. بنابراین مشورت سبب افزودن عقل و علم و تجربه دیگران بر عقل و علم و تجربه خویش است که در این صورت، انسان کمتر گرفتار خطا و اشتباه می‌شود. مشورت از امور ضروری

آیات و روایات و تاریخ پیشوایان بزرگ اسلام به‌وضوح می‌توان آن را مشاهده نمود. در قرآن کریم در چند آیه به مسئله مشورت اشاره شده که در برخی مستقیماً دستور به مشورت داده شده است: «... وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران: ۱۵۹)؛... و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، [قاطع باش! و] بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد.

برخی گمان می‌کنند، مأمور شدن پیامبر اکرم ص برای مشورت با مردم تنها به این دلیل بوده که برای مسلمانان شخصیتی قائل شده باشند و احترامی به آنها گذاشته باشند و یا آنها را در مسائل اجتماعی دخیل نموده باشند، چون تصمیم‌گیرنده نهایی خود حضرت هستند نه شورا، همچنان که در ادامه آیه گفته شده است: «هنگامی که تصمیم گرفتی (قاطع باش و) بر خدا توکل کن»؛ درحالی که این‌طور به نظر نمی‌آید؛ اینکه حضرت با مردم مشورت کنند و سپس نظرات آنها را در نظر نگرفته و نادیده بگیرند و راه دیگری را در پیش گیرند، اولاً با هدف آیه نمی‌سازد؛ زیرا سبب بی‌احترامی به افکار عمومی و در نتیجه رنجش مسلمانان می‌شود و نتیجه معکوس می‌دهد. ثانیاً با تاریخ و سیره حضرت نیز هماهنگی ندارد؛ چراکه ایشان در حوادث مهم، هنگامی که با مردم مشورت می‌کرد، به نظرات و پیشنهادات مردم احترام می‌گذاشتند و گاهی با اینکه نظر خود مخالف نظر دیگران بود، اما نظر خود را نادیده می‌گرفتند تا اصل مشورت در میان مردم تقویت گردد. تقویت اصل مشورت در میان مردم باعث نمی‌شد آن حضرت تصمیم‌گیرنده نهایی نباشند، بلکه ایشان در برخی موارد با توجه به نظرات مردم تصمیم نهایی را گرفته و بر خداوند توکل می‌کردند. ذکر این نکته ضروری است که این آیه با توجه به آیات قبل و بعدش، ناظر به غزوه احد است و می‌دانیم که در داستان احد، پیامبر اکرم ص موافق با خارج شدن لشکر از شهر نبودند، اما چون نظر اکثریت مسلمانان بر این امر قرار گرفت، موافقت فرمودند (سبحانی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۴۲).

در آیه ۲۸ سوره «شوری»، خداوند پس از بیان اوصاف مؤمنان، مشورت را تذکر می‌دهد. هم‌ردیفی مسئله مشورت در این آیه با ایمان به خدا و نماز، نشان‌دهنده اهمیت فوق‌العاده مسئله مشورت است: «وَ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ»؛ و کسانی که دعوت پروردگارشان را

زندگی است؛ مخصوصاً در کارهای مهمی مانند کشورداری و حکومت‌داری (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۱۰، ص ۱۱۱).

نتیجه‌گیری

نظام اسلامی همواره در اداره حکومت نیازمند افرادی است که دارای ویژگی‌ها و خصوصیات منحصر به فردی باشند تا بتوانند جامعه را به سعادت دنیوی و اخروی نزدیک‌تر کنند. قرآن کریم و احادیث معصومان علیهم‌السلام بهترین و مهم‌ترین منابعی هستند که شاخصه‌های اصلی زمامداران حکومت را مشخص کرده است که با مراجعه به این منابع می‌توان به آنها دست یافت.

اولین شاخصه کارگزار در قرآن کریم و روایات مسئله کسب علم و مسلح بودن به آن است. آگاهی و علم کارگزار زمینه پیشرفت، کلید نجات از مشکلات و حتی باعث کسب ثروت برای جامعه و حکومت خواهد شد؛ لذا علم و دانش برای کارگزاران نظام اسلامی لازم و امری ضروری به‌شمار می‌آید. در بُعد اخلاق فردی مهم‌ترین خصوصیات زمامداران عبارتند از: تعبد و بندگی در برابر خداوند، اخلاص در رفتار و عملکرد خود و نیز عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی می‌باشد. کارگزاران همچنین در نظام اسلامی باید دارای توانایی‌ها و خصوصیات برای اجرای بهتر قوانین و اصول حکومت باشند که رعایت حکمت و مصلحت در امور، مسئولیت‌پذیری، صبر و استقامت در امور، خیرخواهی مردم، امانت‌داری، ولایت‌مداری و روحیه مشورت‌طلبی از جمله این خصوصیات می‌باشد.

منابع.....

نهج البلاغه، ۱۳۹۰، ترجمه محمد دشتی، قم، مشعل هدایت.
 ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
 ابی فراس، ورام بن، ۱۳۶۸، *تنبيه الخواطر و نزهة الناظر*، قم، فقیه.
 ایزدهی، سیدسجاد، ۱۳۸۶، *نظام سیاسی و دولت مطلوب در اندیشه سیاسی ملاحمد نراقی و محمدحسن نجفی (صاحب جواهر)*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
 بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۸، در: Khamenei.ir
 حکیمی، محمد، ۱۳۹۲، *عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 داوودی، علیرضا، ۱۳۹۴، «آرمان‌های انقلاب، نقطه ثقل مثلث عزت، حکمت و مصلحت»، *روزنامه جوان*، ش ۷۲۱۵۳۰.
 راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۶ق، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دمشق، دارالقلم.
 رحیق اغصان، علی، ۱۳۸۴، *دانش‌نامه در علم سیاست*، تهران، فرهنگ صبا.
 رستمیان، محمدعلی، ۱۳۹۳، «مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی از دیدگاه قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام»، *پژوهشنامه حکمت اهل بیت علیهم‌السلام*، سال اول، ش ۲، ص ۳۱-۵۰.
 سبحانی، جعفر، ۱۳۷۰، *سیدالمرسلین علیهم‌السلام*، قم، جامعه مدرسین.
 سیدباقری، سیدکاظم، ۱۳۹۳، *عدالت سیاسی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 صدوق، محمدبن علی، ۱۳۳۷، *عیون اخبار الرضا علیه‌السلام*، تهران، جهان.
 _____، ۱۳۵۴، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، اسلامیه.
 طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۴۹، *المیزان*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
 علیخانی، علی اکبر و همکاران، ۱۳۸۸، *درآمدی بر نظام سیاسی عدالت در اسلام*، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
 فلاح سلوکلائی، محمد، ۱۳۸۴، «سیمای کارگزاران دولت اسلامی از منظر امام علی علیه‌السلام»، *معرفت*، ش ۹۳، ص ۱۰۲-۱۱۸.
 کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۲۹ق، *الکافی*، قم، دارالحدیث.
 گل‌زواره قمش‌های، غلامرضا، ۱۳۸۵، «عدالت‌محوری در قرآن و حدیث»، *یاس‌دار اسلام*، ش ۲۹۸، ص ۳۲-۳۷.
 مجلسی، محمدباقر، بی‌تا، *بحارالانوار*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
 محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۹، *میزان الحکمه*، چ یازدهم، قم، دارالحدیث.
 مطهری، مرتضی، ۱۳۹۰، *عدل الهی*، چ سی و هفتم، تهران، صدرا.
 معین، محمد، بی‌تا، *فرهنگنامه معین*، تهران، امیرکبیر.
 مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۷، *اخلاق در قرآن*، قم، امام علی بن ابیطالب علیه‌السلام.
 مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۶۷، *پیام قرآن*، قم، مدرسه الامام امیرالمؤمنین علیه‌السلام.
 موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۹۲، *حکومت اسلامی و ولایت‌فقیه در اندیشه امام خمینی علیه‌السلام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
 نقدیان، حسن، ۱۳۸۰، *خودی و غیرخودی از دیدگاه قرآن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
 نوائی، علی اکبر، ۱۳۸۲، «تصویری از کارگزاری در نظام اسلامی و بایدهای اخلاقی»، *اندیشه حوزه*، ش ۴۳ و ۴۴، ص ۸۷-۱۱۱.
 واعظی، احمد، ۱۳۷۷، *جامعه دینی، جامعه مدنی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی..